بیانات در شانزدهمین اجلاس سران جنبش عدم تعهد در تهران - 9 /شهریور/ 1391

بسم‌الله‌الرّحمن‌الرّحیم

الحمد الله ربّ العالمین و الصّلاة و السّلام علی الرّسول الأعظم الأمین و علی ءاله الطّاهرین و صحبه المنتجبین و علی جمیع الأنبیاء و المرسلین.

به شما میهمانان گرامی، سران و هیئتهای نمایندگی کشورهای جنبش عدم تعهد و نیز دیگر شرکت‌کنندگان در این اجلاس بزرگ بین‌المللی خوشامد میگویم.

ما در اینجا گرد آمده‌ایم تا به هدایت و کمك پروردگار، حرکت و جریانی را که در شش دهه‌ی قبل با هوشمندی و موقعیت‌شناسی و شجاعت چند تن از رهبران سیاسیِ دلسوز و مسئولیت‌پذیر پایه‌گذاری شد، به اقتضای موقعیتها و نیازهای امروز جهان ادامه دهیم و بلکه به آن جانی تازه و تحرکی دوباره ببخشیم.

میهمانان ما از مناطق جغرافیائی دور و نزدیك در اینجا گرد آمده و متعلق به ملیتها و نژادهای گوناگون و دارای تعلقات اعتقادی و فرهنگی و تاریخی و وراثتیِ متنوعند ؛ ولی همان طور که «احمد سوکارنو» یکی از بنیانگذاران این جنبش در کنفرانس معروفِ باندونگ در سال ۱۹۵۵ گفت، مبنای تشکیل عدم تعهد، نه وحدت جغرافیائی یا نژادی و دینی، بلکه وحدت نیاز است. آن روز کشورهای عضو جنبش عدم تعهد، به پیوندی که بتواند آنها را از سیطره‌ی شبکه‌های اقتدارگرا و مستکبر و سیری‌ناپذیر مصون بدارد، نیازمند بوده‌اند ؛ امروز با پیشرفت و گسترش ابزارهای سلطه‌گری، این نیاز همچنان پابرجا است.

من میخواهم حقیقت دیگری را مطرح کنم:

اسلام به ما آموخته است که انسانها با وجود ناهمگونیهای نژادی و زبانی و فرهنگی، فطرت همسانی دارند که آنها را به پاکی و عدالت و نیکوکاری و همدردی و همکاری فرا میخواند و همین سرشت همگانی است که اگر از انگیزه‌های گمراه‌کننده به سلامت عبور کند، انسانها را به توحید و معرفت ذات متعالی خداوند رهنمون میگردد.

این حقیقت تابناك دارای چنان ظرفیتی است که قادر است پایه و پشتوانه‌ی تشکیل جوامع آزاد و سرافراز و برخوردار از پیشرفت و عدالت - توأماً - گردد و شعاع معنویت را بر همه‌ی فعالیتهای مادّی و دنیائی انسانها نفوذ دهد و بهشتی دنیائی - پیش از بهشت اخروی موعود ادیان الهی - برای آنان فراهم آورد. و نیز همین حقیقت مشترك و همگانی است که میتواند شالوده‌ریز همکاریهای برادرانه‌ی ملتهائی باشد که از نظر شکل ظاهری و سابقه‌ی تاریخی و منطقه‌ی جغرافیائی، شباهتی به یکدیگر ندارند.

همکاریهای بین‌المللی هرگاه بر چنین شالوده‌ای استوار باشد، دولتها ارتباطات میان خود را نه بر اساس ترس و تهدید یا افزون‌طلبی و منافع یکجانبه یا واسطه‌گری افراد خائن و خودفروش، بلکه بر پایه‌ی منافع سالم و مشترك، و برتر از آن، منافع انسانیت بنا میکنند و وجدان بیدار خود و خاطر ملتهای خود را از دغدغه‌ها آسوده میسازند.

این نظم آرمانی در نقطه‌ی مقابل نظام سلطه قرار دارد، که در قرنهای اخیر قدرتهای سلطه‌گر غربی، و امروز دولت زورگو و متجاوز آمریکا، مدعی و مبلّغ و پیشقراول آن بوده و هستند.

میهمانان عزیز!

امروز آرمانهای اصلی جنبش عدم تعهد با گذشت شش دهه همچنان زنده و پابرجاست ؛ آرمانهائی مانند استعمارزدائی ، استقلال سیاسی و اقتصادی و فرهنگی، عدم تعهد به قطبهای قدرت و ارتقاء همبستگی و همکاری میان کشورهای عضو. واقعیتهای امروز جهان با آن آرمانها دارای فاصله است ؛ ولی اراده‌ی جمعی و تلاش همه‌جانبه برای عبور از واقعیتها و دست یافتن به آرمانها، هرچند پُر چالش، لیك امیدآفرین و ثمربخش است.

ما در گذشته‌ی نزدیك، شاهد شکست سیاستهای دوران جنگ سرد و نیز یکجانبه‌گرائی پس از آن بوده‌ایم. جهان با عبرت‌آموزی از این تجربه‌ی تاریخی، در حال گذار به نظام بین‌المللی جدیدی است و جنبش عدم تعهد میتواند و باید نقش نوینی ایفاء نماید. این نظام باید بر پایه‌ی مشارکت همگانی و برابری حقوق ملتها استوار باشد ؛ و همبستگی ما کشورهای عضو این جنبش برای شکل‌گیری این نظم نوین، از ضرورتهای بارز عصر کنونی است.

خوشبختانه چشم‌انداز تحولات جهانی، نویدبخش یك نظام چند وجهی است که در آن، قطبهای سنتی قدرت جای خود را به مجموعه‌ای از کشورها و فرهنگها و تمدنهای متنوع و با خاستگاههای گوناگون اقتصادی و اجتماعی و سیاسی میدهند. اتفاقات شگرفی که در سه دهه‌ی اخیر شاهد آن بوده‌ایم، آشکارا نشان میدهد که برآمدن قدرتهای جدید با بروز ضعف در قدرتهای قدیمی همراه بوده است. این جابه‌جائی تدریجی قدرت، به کشورهای عدم تعهد فرصت میدهد تا نقش مؤثر و شایسته‌ای را در عرصه‌ی جهانی بر عهده بگیرند و زمینه‌ی یك مدیریت عادلانه و واقعاً مشارکتی را در پهنه‌ی گیتی فراهم آورند. ما کشورهای عضو این جنبش توانسته‌ایم در یك دوران طولانی، با وجود تنوع دیدگاهها و گرایشها، همبستگی و پیوند خود را در چهارچوب آرمانهای مشترك حفظ کنیم ؛ و این دستاورد ساده و کوچکی نیست. این پیوند میتواند دستمایه‌ی گذار به نظمی عادلانه و انسانی قرار گیرد.

شرائط کنونی جهان فرصتی شاید تکرارنشدنی برای جنبش عدم تعهد است. سخن ما آن است که اتاق فرمان جهان نباید با دیکتاتوری چند کشور غربی اداره شود. باید بتوان یك مشارکت دموکراتیك جهانی را در عرصه‌ی مدیریت بین‌المللی شکل داد و تضمین کرد. این است نیاز همه‌ی کشورهائی که مستقیم یا غیرمستقیم از دست‌اندازی چند کشور زورگو و سلطه‌طلب زیان دیده‌اند و می‌بینند.

شورای امنیت سازمان ملل دارای ساختار و سازوکاری غیرمنطقی، ناعادلانه و کاملاً غیر دموکراتیك است ؛ این یك دیکتاتوریِ آشکار و یك وضعیت کهنه و منسوخ و تاریخ مصرف گذشته است. با سوء استفاده از همین سازوکار غلط است که آمریکا و همدستانش توانسته‌اند زورگوئیهای خود را در لباس مفاهیم شریف بر دنیا تحمیل کنند. آنها میگویند «حقوق بشر»، و منافع غرب را اراده میکنند ؛ میگویند «دموکراسی»، و دخالت نظامی در کشورها را به جای آن می‌نشانند ؛ میگویند «مبارزه با تروریسم»، و مردم بی‌دفاع روستاها و شهرها را آماج بمبها و سلاحهای خود میسازند. در نگاه آنها، بشریت به شهروندان درجه‌ی یك و دو و سه تقسیم میشوند. جان انسان در آسیا و آفریقا و آمریکای لاتین ارزان، و در آمریکا و غرب اروپا گران قیمت‌گذاری میشود. امنیت آمریکا و اروپا مهم، و امنیت بقیه‌ی بشریت بی‌اهمیت دانسته میشود. شکنجه و ترور اگر به دست آمریکائی و صهیونیست و دست‌نشاندگان آنها صورت گیرد، مُجاز و کاملاً قابل چشم‌پوشی است. زندانهای مخفی آنها که در نقاط متعددی در قاره‌های گوناگون شاهد زشت‌ترین و نفرت‌انگیزترین رفتارها با زندانیان بی‌دفاع و بی‌وکیل و بی‌محاکمه است، وجدان آنان را نمی‌آزارد. بد و خوب، کاملاً گزینشی و یکطرفه تعریف میشود. منافع خود را به نام «قوانین بین‌المللی»، و سخنان تحکم‌آمیز و غیرقانونی خود را به نام «جامعه‌ی جهانی» بر ملتها تحمیل میکنند و با شبکه‌ی رسانه‌ای انحصاریِ سازمان‌یافته، دروغهای خود را راست، و باطل خود را حق، و ظلم خود را عدالت‌طلبی وانمود میکنند و در مقابل، هر سخن حقی را که افشاگر فریب آنها است، دروغ، و هر مطالبه‌ی برحقّی را یاغیگری مینامند.

دوستان! این وضعیت معیوب و پر زیان، غیرقابل ادامه است. همه از این هندسه‌ی غلط بین‌المللی خسته شده‌اند.

جنبش ۹۹ درصدی مردم در آمریکا بر ضدّ کانونهای ثروت و قدرت در آن کشور، و اعتراض عمومی در کشورهای اروپای غربی به سیاستهای اقتصادی دولتهاشان نیز نشان لبریز شدن پیمانه‌ی صبر و تحمل ملتها از این وضعیت است. باید این وضعیت نامعقول را علاج کرد.

پیوند مستحکم و منطقی و همه‌جانبه‌ی کشورهای عضو جنبش عدم تعهد میتواند در یافتن و پیمودن راه علاج، تأثیرات عمیقی بر جای بگذارد.

حضار محترم!

صلح و امنیت بین‌المللی از جمله‌ی مسائل حادّ جهان امروز ما است و خلع سلاحهای کشتار جمعی و فاجعه‌بار، یك ضرورت فوری و یك مطالبه‌ی همگانی است. در دنیای امروز، امنیت، پدیده‌ای مشترك و غیرقابل تبعیض است. آنها که سلاحهای ضد بشریت را در زرادخانه‌های خود انبار میکنند، حق ندارند خود را پرچمدار امنیت جهانی قلمداد کنند. این - بی‌شك - نخواهد توانست نیز امنیت را برای خود آنها به ارمغان آورد. امروز با تأسفِ فراوان دیده میشود که کشورهای دارنده‌ی بیشترین تسلیحات هسته‌ای، اراده‌ای جدّی و واقعی برای حذف این ابزارهای مرگبار از دکترین نظامی خود ندارند و آن را همچنان عامل رفع تهدید و شاخصی مهم در تعریف جایگاه سیاسی و بین‌المللی خود میدانند. این تصور، به کلّی مردود و مطرود است.

سلاح هسته‌ای نه تأمین‌کننده‌ی امنیت و نه مایه‌ی تحکیم قدرت سیاسی است، بلکه تهدیدی برای این هر دو است. حوادث دهه‌ی ۹۰ قرن بیستم نشان داد که داشتن این تسلیحات نمیتواند رژیمی همانند شوروی سابق را هم حفظ کند. امروز نیز کشورهائی را میشناسیم که با داشتن بمب اتم، در معرض امواج ناامنی‌های مهلکند.

جمهوری اسلامی ایران استفاده از سلاح هسته‌ای و شیمیائی و نظائر آن را گناهی بزرگ و نابخشودنی میداند. ما شعار «خاورمیانه‌ی عاری از سلاح هسته‌ای» را مطرح کرده‌ایم و به آن پایبندیم. این به معنی چشم‌پوشی از حق بهره‌برداری صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای و تولید سوخت هسته‌ای نیست. استفاده‌ی صلح‌آمیز از این انرژی، بر اساس قوانین بین‌المللی، حق همه‌ی کشورها است. همه باید بتوانند از این انرژی سالم در مصارف گوناگون حیاتی کشور و ملتشان استفاده کنند و در اِعمال این حق، وابسته به دیگران نباشند. چند کشور غربی که خود دارنده‌ی سلاح هسته‌ای و مرتکب این کار غیرقانونی‌اند، مایلند توان تولید سوخت هسته‌ای را نیز در انحصار خود نگه دارند. حرکتی مرموز در حال شکل‌گیری است تا انحصار تولید و فروش سوخت هسته‌ای را در مراکزی با نام بین‌المللی ولی در واقع در پنجه‌ی چند کشور معدود غربی، تثبیت و دائمی کنند.

طنز تلخ روزگار ما آن است که دولت آمریکا که دارنده‌ی بیشترین و مرگبارترین سلاحهای هسته‌ای و دیگر سلاحهای کشتار جمعی و تنها مرتکبِ به‌کارگیری آن است، امروز میخواهد پرچم مخالفت با اشاعه‌ی هسته‌ای را به دوش بگیرد! آنها و شرکای غربی‌شان رژیم صهیونیستیِ غاصب را به سلاحهای هسته‌ای مجهز کرده و برای این منطقه‌ی حساس، تهدیدی بزرگ فراهم کرده‌اند ؛ اما همین مجموعه‌ی فریبگر، استفاده‌ی صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای را برای کشورهای مستقل برنمیتابند و حتّی با تولید سوخت هسته‌ای برای رادیوداروها و دیگر مصارف صلح‌آمیز انسانی، با هرچه در توان دارند، ستیزه‌گری میکنند. بهانه‌ی دروغین آنان، بیم از تولید سلاح هسته‌ای است. در مورد جمهوری اسلامی ایران، آنان خود میدانند که دروغ میگویند ؛ اما سیاست‌ورزی، آنگاه که کمترین اثری از معنویت در آن نباشد، دروغ را هم مجاز میشمرد. آیا آن که در قرن بیست‌ویکم زبان به تهدید اتمی میگشاید و شرم نمیکند، از دروغگوئی پرهیز و شرم خواهد کرد؟!

من تأکید میکنم که جمهوری اسلامی هرگز در پی تسلیحات هسته‌ای نیست، و نیز هرگز از حق ملّت خود در استفاده‌ی صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای چشم‌پوشی نخواهد کرد. شعار ما «انرژی هسته‌ای برای همه، و سلاح هسته‌ای برای هیچکس» است. ما بر این هر دو سخن پای خواهیم فشرد و میدانیم که شکستن انحصار چند کشور غربی در تولید انرژی هسته‌ای در چهارچوب معاهده‌ی عدم اشاعه، به سود همه‌ی کشورهای مستقل و از جمله کشورهای عضو جنبش عدم تعهد است.

تجربه‌ی سه دهه ایستادگیِ موفقیت‌آمیز در برابر زورگوئی‌ها و فشارهای همه‌جانبه‌ی آمریکا و متحدانش، جمهوری اسلامی را به این باور قطعی رسانده است که مقاومت يك ملت متحد و دارای عزم راسخ، قادر است بر همه‌ی خصومتها و عنادها فائق آید و راه افتخارآمیز به سوی هدفهای بلند خود را بگشاید. پیشرفتهای همه‌جانبه‌ی کشور ما در دو دهه‌ی اخیر واقعیتی است که در برابر چشم همگان قرار دارد و رصدکنندگان رسمی بین‌المللی مکرراً بدان اذعان کرده‌اند ؛ و این همه در شرائط تحریمها و فشارهای اقتصادی و تهاجم تبلیغاتی شبکه‌های وابسته به آمریکا و صهیونیسم اتفاق افتاده است. تحریمهائی که یاوه‌گویان، آن را فلج‌کننده نامیدند، نه تنها ما را فلج نکرده است و نخواهد کرد، بلکه گامهای ما را محکمتر، و همت ما را بلندتر، و اطمینان ما را به درستی تحلیلهای خود و نیز به توانائی درون‌زای ملتمان راسختر کرده است. ما یاری خداوند را در این چالشها بارها و بارها به چشم دیده‌ایم.

میهمانان گرامی!

لازم میدانم در اینجا از يك مسئله‌ی بسیار مهم سخن بگویم ؛ که اگرچه مربوط به منطقه‌ی ما است، ولی ابعاد

گسترده‌ی آن از این منطقه فراتر رفته و سیاستهای جهانی را در طول چندین دهه تحت تأثیر قرار داده است و آن، مسئله‌ی دردآور فلسطین است. خلاصه‌ی این ماجرا آن است که یك كشور مستقل و دارای شناسنامه‌ی روشنِ تاریخی به نام «فلسطین»، بر اساس یك توطئه‌ی وحشتناك غربی با سردمداری انگلیس در دهه‌ی ۴۰ قرن بیستم، از ملت آن، غصب و به زور سلاح و کشتار و فریب، به جماعتی که عمدتاً از کشورهای اروپائی مهاجرت داده شده‌اند، واگذار گردیده است. این غصب بزرگ که در آغاز با کشتارهای جمعیِ مردم بی‌دفاع در شهرها و روستاها و راندن مردم از خانه و کاشانه‌ی خود به کشورهای هم‌مرز همراه بود، در طول بیش از شش دهه همچنان با همین جنایتها ادامه یافته است و امروز هم ادامه دارد. این، یکی از مهمترین مسائل جامعه‌ی بشریت است. سران سیاسی و نظامی رژیم غاصب صهیونیست، در این مدت از هیچ جنایتی پرهیز نکرده‌اند ؛ از کشتار مردم و ویران کردن خانه‌ها و مزارع آنان و دستگیری و شکنجه‌ی مردان و زنان و حتّی کودکان آنان، تا تحقیر و توهین به کرامت این ملت و سعی در نابودی و هضم آن در معده‌ی حرامخوار رژیم صهیونیستی، و تا حمله به اردوگاههای آنان در خود فلسطین و در کشورهای همسایه که میلیونها آواره را در خود جای میداده است. نامهای «صبرا» و «شتیلا» و «قانا» و «دیر یاسین» و امثال اینها با خون مردم مظلوم فلسطین در تاریخ منطقه‌ی ما ثبت شده است. اکنون نیز پس از شصت و پنج سال، هنوز همچنان همین جنایتها در رفتار گرگان درنده‌ی صهیونیست با باقی‌ماندگان در سرزمینهای اشغالی ادامه دارد. آنها پی‌درپی جنایتهای جدیدی می‌آفرینند و منطقه را با بحران تازه‌ای روبه‌رو میکنند. کمتر روزی است که خبری از قتل و جرح و زندانی کردن جوانهائی مخابره نشود که به دفاع از وطن و کرامت خود برخاسته و به ویرانگری مزارع و خانه‌های خود اعتراض کرده‌اند. رژیم صهیونیستی که با به راه انداختن جنگهای فاجعه‌بار و کشتار مردم و اشغال سرزمینهای عربی و سازماندهی تروریسم دولتی در منطقه و جهان، دهها سال ترور و جنگ و شرارت به راه انداخته، ملت فلسطین را که برای احقاق حق خود به پا خاسته و مبارزه میکنند، تروریست مینامد و شبکه‌ی رسانه‌های متعلق به صهیونیزم و بسیاری از رسانه‌های غربی و مزدور نیز با زیر پا گذاشتن تعهّد اخلاقی و رسانه‌ای، این دروغ بزرگ را تکرار میکنند. سردمداران سیاسیِ مدعی حقوق بشر نیز چشم بر این همه جنایت بسته و بدون شرم و پروا، از آن رژیم فاجعه‌آفرین حمایت کرده و در نقش وکیل‌مدافع آن ظاهر میشوند.

سخن ما آن است که فلسطین متعلق به فلسطینی‌ها است و ادامه‌ی اشغال آن، ظلمی بزرگ، تحمل‌ناپذیر و خطری عمده برای صلح و امنیت جهانی است. همه‌ی راههائی که غربیها و وابستگان آنها برای «حل مسئله‌ی فلسطین» پیشنهاد کرده و پیموده‌اند، غلط و ناموفق بوده است و در آینده نیز چنین خواهد بود. ما راه‌حلی عادلانه و کاملاً دموکراتیك را پیشنهاد کرده‌ایم: همه‌ی فلسطینی‌ها، چه ساکنان کنونی آن، و چه کسانی که به کشورهای دیگر رانده شده و هویت فلسطینی خود را حفظ کرده‌اند، اعم از مسلمان و مسیحی و یهودی، در یك همه‌پرسیِ عمومی، با نظارتی دقیق و اطمینان‌بخش شرکت کنند و ساختار نظام سیاسی این کشور را انتخاب نمایند و همه‌ی فلسطینیانی که سالها رنج آوارگی را تحمل کرده‌اند، به کشور خود باز گردند و در این همه‌پرسی و سپس تدوین قانون اساسی و انتخابات، شرکت نمایند. آنگاه صلح برقرار خواهد شد.

در اینجا مایلم پندی خیرخواهانه به سیاستمداران آمریکائی که تاکنون همواره به عنوان مدافع و پشتیبان رژیم صهیونیستی در صحنه حاضر شده‌اند، بدهم: این رژیم تاکنون برای شما دردسرهای بیشمار داشته است ؛ چهره‌ی

شما را در میان ملتهای منطقه، منفور و شما را در چشم آنان شریك جنایات صهیونیستهای غاصب معرفی کرده است ؛ هزینه‌های مادی و معنوی که در طول سالهای متمادی از این رهگذر به دولت و ملت آمریکا تحمیل شده است، سرسام‌آور است ؛ و احتمالاً در آینده اگر همین روش ادامه یابد، هزینه‌های شما سنگین‌تر هم خواهد شد. بیائید به پیشنهاد جمهوری اسلامی درباره‌ی همه‌پرسی بیندیشید و با تصمیمی شجاعانه، خود را از گره ناگشودنی کنونی نجات دهید. بی‌شك مردم منطقه و همه‌ی آزاداندیشان گیتی از این اقدام استقبال خواهند کرد.

میهمانان محترم!

اکنون به سخن آغازین باز میگردم. شرائط گیتی حساس و جهان در حال گذار از یك پیچ تاریخی بسیار مهم است. انتظار میرود که نظمی نوین در حال تولد یافتن باشد. مجموعه‌ی غیرمتعهدها حدود دو سوم اعضاء جامعه‌ی جهانی را در خود جای داده است و میتواند در شکل‌دهی آینده نقشی بزرگ ایفاء کند. تشکیل این اجلاس بزرگ در تهران نیز خود حادثه‌ای پرمعنا است که باید در محاسبات به کار آید. ما اعضاء این جنبش با هم‌افزائی امکانات و ظرفیتهای گسترده‌ی خود میتوانیم برای نجات جهان از ناامنی و جنگ و سلطه‌گری، نقشی تاریخی و ماندگار بیافرینیم.

این مقصود فقط با همکاریهای همه‌جانبه‌ی ما با یکدیگر امکان‌پذیر است. در میان ما، کشورهای بسیار ثروتمند و نیز کشورهای دارای نفوذ بین‌المللی کم نیستند. علاج مشکلات با همکاریهای اقتصادی و رسانه‌ای و انتقال تجربه‌های پیشبرنده و تعالی‌بخش، کاملاً امکان‌پذیر است. باید عزمهامان را راسخ کنیم ؛ به هدفها وفادار بمانیم ؛ از اخم قدرتهای زورگو نترسیم و به لبخند آنان دل خوش نکنیم ؛ اراده‌ی الهی و قوانین آفرینش را پشتیبان خود بدانیم ؛ به شکست تجربه‌ی اردوگاه کمونیستی در دو دهه پیش، و شکست سیاستهای به اصطلاح لیبرال دموکراسی غربی در حال حاضر - که نشانه‌های آن را در خیابانهای کشورهای اروپائی و آمریکایی و گره‌های ناگشودنی اقتصاد این کشورها همه می‌بینند - با چشم عبرت بنگریم. و بالاخره سقوط دیکتاتورهای وابسته به آمریکا و همدست رژیم صهیونیستی در شمال آفریقا و بیداری اسلامی در کشورهای منطقه را فرصتی بزرگ بشماریم. ما میتوانیم به ارتقاء «بهره‌وری سیاسی جنبش عدم تعهد» در مدیریت جهانی بیندیشیم ؛ میتوانیم برای تحول در این مدیریت، سندی تاریخی تهیه کنیم و ابزارهای اجرائی آن را فراهم نمائیم ؛ میتوانیم حرکت به سمت همکاریهای مؤثر اقتصادی را طراحی و الگوهای ارتباط فرهنگی میان خود را تعریف کنیم. بی‌شك تشکیل دبیرخانه‌ی فعال و پرانگیزه‌ای برای این تشکیلات، خواهد توانست به حصول این مقاصد کمکی بزرگ و پر تأثیر تقدیم کند.

متشکرم